

پیرجمال اردستانی (متولد بین دهه اول و دوم قرن هشتم، وفات ۸۷۹ ق) عارف و مؤلف و گوینده متشیع، با آنکه به لحاظ ادبی آثارش در درجه دوم و سوم اهمیت است، از جهت تاریخ فرهنگ و بررسی تحولات فکری ایرانیان حتماً نوشته‌هایش باید مورد مطالعه دقیق قرار گیرد؛ چرا که در آستانه تحول مذهبی ایران و درقرنی که جنبش‌های شیعیانه و مهدی‌گرایانه اوج می‌گرفت و از سوی دیگر اندیشه وحدت وجودی ابن عربی و شارحانش عرصه فکر و ادب را فرا گرفته بود. پیرجمال از کسانی است که حرف‌های خواندنی دارد و از نوعی اصالت برخوردار است. هرچند بیانش از پختگی و روانی. مثلاً جامی بی نصیب است، اما اگر پیرجمال را از ادبیات فارسی حذف کنیم، کمبودش خیلی بیشتر از جامی احساس خواهد شد؛ چرا که جامی جاده کوبیده را پیموده و حرف‌های گفته‌شده را تکرار کرده است.

ما قبل از مقاله «شرح الکنوز و بحر الرموز» معرفی اجمالی یکی از آثار پیرجمال را که در واقع مدخل مناسبی محسوب می‌شود، به عمل آوردیم (رک: آینه پژوهش، ش ۱۲۵). اکنون در دو مجموعه دیگر، تعداد بیشتری از نوشته‌ها و سروده‌های پیرجمال که دارای مضامین مشابه کتاب قبلی است، منتشر می‌شود و تقریباً می‌توان گفت شناخت ما از آثار این مؤلف کمتر شناخته‌شده بالنسبه کامل می‌گردد. در رسائل گردآمده و دفتر، همان خصوصاتی که پیشتر برای بحر الرموز بیان کردیم (از جمله یکدست نبودن سطح نوشته‌ها و سست بودن بعضی از اشعار، در ضمن مذاق شیعیانه - صوفیانه و انتقادات اجتماعی...) در این دو دفتر نیز مشاهده می‌شود.

با نقل قطعاتی از شعر و نثر و بعضی توضیحات، روشنایی مختصری بر این دو مجموعه می‌افکنیم و اهل تحقیق را به مطالعه آنها دعوت می‌نماییم. منظومه کنزالدقایق در برگزیده یک داستان عامیانه با عنوان «احجوبه و محجوبه» است که پیشتر نثر آن چاپ شده بود، اما پیرجمال جای جای به اندیشه‌های عرفانی شیعی خود گریز می‌زند و معارف اخلاقی را بیان می‌نماید. در این منظومه، داستان‌های فرعی نیز ضمن مسیر اصلی داستان، درج شده که بعضاً از عوام گرفته شده و فرهنگ ارزشمند است. البته غالب داستان‌ها از همین حکایت‌های معروف تاریخی و مذهبی و احوال عرفاست. پیرجمال مثل همه عرفا از بیان رمزی نیز برای عرضه افکار خود استفاده می‌کند. البته همچنان که مصحح اشاره کرده است، برخی عناوین با ذیلش تناسب ندارد (دفتر اول، ص ۴۰). در آخر همه بندها پیرجمال یادی از حضرت علی می‌کند (ص ۴۱).

دو بیت از عاشق شدن یوسف رازی بر دختر عرب را نقل می‌کنیم:

دیده یوسف به رخ فتاد      بی رسن این نیز در آن چه فتاد  
زلف کج دخت عرب باد برد      جان و دل یوسف آزاد برد (ص ۱۰۲)

منظومه تنبیه العارفين که قطعات نثر نیز دارد، در واقع عنوانی است متناقض نما؛ زیرا «عارف» ظاهراً نیاز به تنبیه و آگاهگری ندارد، اما مؤلف می‌گوید: «مطالعه کن تا غره به دانایی زبان و دانایی کرامات که صفت عارفان است نشوی». پیرجمال مدعی است مصطفی به او فرموده: «پرده جاهلان بدر» و حرفی چند بر سبیل امر نوشته است

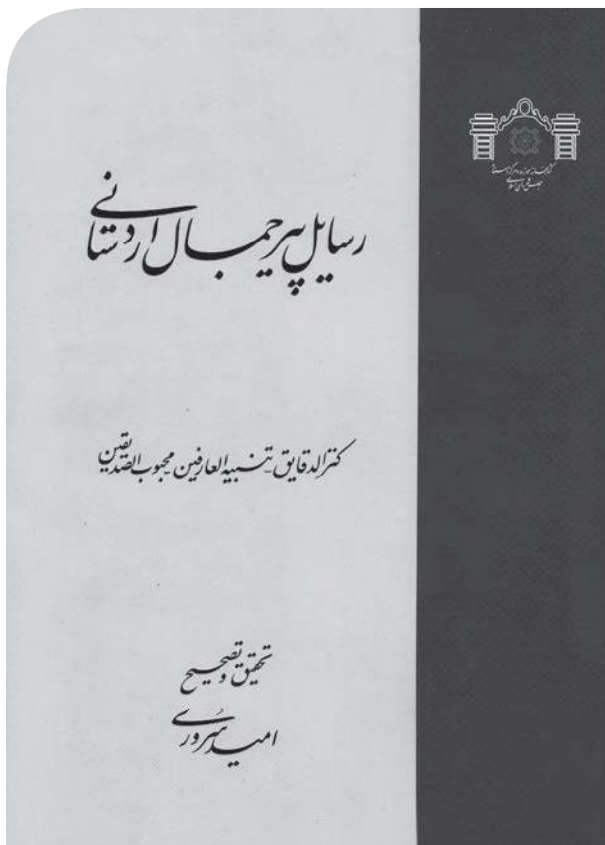
## تازه‌های نگارش و نشر

### معرفی اجمالی

# رسایل پیرجمال اردستان (دو دفتر)؛

تحقیق و تصحیح امید سروری؛ تهران، مجلس، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰

### علیرضا ذکاوتی قراقرلو



(ص ۱۷۲). در این کتاب به خطاهای بزرگان از جمله به ترک اولی‌های انبیاء اشاره شده است که اجمالاً می‌آوریم:

آدم فریب شیطان را خورد و گوش به وسوسه حو داد.

نوح طاقت تحمل نداشت و قوم را نفرین نمود و دچار طوفان کرد.

یونس از اهل شهر قهر کرد و خواستار عذاب برای آنان شد؛ سپس که قوم توبه کردند و مشمول رحمت الهی شدند، بریونس گران آمد و به همین سبب ماهی وی را بلعید... تا آخر قصه.

موسی از سحر ساحران ترسید و نیز به خطاب «لن ترانی» جا خورد....

سلیمان چون از همه بیشتر متنعم بود و لذت برد، دچار غفلت گردید و انگشتی را برای مدتی از دست داد و متوجه عظمت «سلطنت فقر» نبود؛ لذا پانصد سال دیرتر از همه انبیاء به بهشت خواهد رفت.

همچنین است یعقوب که به سبب گرفتاری به محبت فرزند، نابینا شد و یوسف که در دیدار نهایی با پدر و برادران از اسب پیاده نشد و لذا پیغمبری از نسل او سلب گردید...؛ و بالاخره میان پیغمبران محمد ﷺ را موصون از محبت دنیا و غفلت دانسته، اما آن حضرت نیز با تعیین فدک به عنوان میراث فاطمه (س) انگیزه جنگ‌ها و اختلافات را به جا گذاشت. در اینجاست که پیرجمال به مریدان گوشزد می‌نماید که هرگز چیزی را به ارث نگذارند (ص ۱۷۶-۱۷۸).

از قول علی بن ابیطالب علیه السلام آورده است که فرمود: «ای اخی زنهار که در بند آزار هیچ آفریده مباش که آنچه من در آخر کار دیدم - در اول کار که از غایت محبت دین محمدی کافران را می‌کشتم - اگر می‌دیدم، خون از بینی هیچ کافری بیرون نمی‌آوردم» (ص ۱۸۰). در هر حال وی با یک دیدگاه صوفیانه افراطی، هر نوع توجه به دنیویات را گرچه با اهداف عالی باشد، رد می‌کند (ص ۱۸۱).

به همین ترتیب، خطاهای سلاطین را نیز برمی‌شمرد و همچنین است فساد عالم که عالم را به فساد می‌کشانند (ص ۱۸۵):

بالله که گناه عالمان است این شور و غمی که در جهان است از جمله اشارات تاریخی تنبیه العارفين، حوادثی است در مهاباد (ص ۱۸۶)، و نیز در این کتاب هم با آنکه پیرجمال شیعه بوده، از ابوبکر و علی با هم به ستایش یاد می‌کند (ص ۲۷۰):

صديق صفت گزیده تجرید  
اینک تلخیص یک حکایت

کوری جنبی مگر به اشتاب  
تا غسل کند چو آب یابد  
یک کوردگر به پیش راهش  
آن کوربه خویش گفت کاین کور  
غسلش ز خیال رفت آن شر  
ناگاه رسید کور دیگر  
اندر سر آن سه راه سه کور  
آنگاه رسید گرگ دران  
بس گرسنه دید زرق آسان  
می‌رفت به دست و پاسوی آب  
می‌تاخت که تا ثواب آید  
افتاد و نشست در پناهش  
دارد نقدی و کرده مستور  
زان حرص که باشدش مگر زر  
اندر پی نان دویده هر در  
همخانه شده چوموروزنور  
بس گرسنه دید زرق آسان

در حال بکند هر سه را سر  
صاحب نظری کجاست ای دل  
کوران جنب فناده درهم  
منظومه محبوب الصدیقین را پیرجمال برای سالکان پیشرفته تر سروده  
و همان مضامین تنبیه الغافلین را بهتر بیان نموده و البته انتقاد آتش  
آشکارتر است: عالمانی که به شاهان پیوسته‌اند:

گنه شاه و میرد خیل و سپاه بازگردد به عالم آگاه!  
شاهان هم مشغول مستی و عیاشی‌اند و این تاوان غفلت مردم و  
کوتاهی‌شان در رعایت انصاف با همدیگر است:

گر بود در میان خلق انصاف ننماید به هیچ روی خواه (ص ۳۷۵)  
پیرجمال در این کتاب به ستایش مولوی و مثنوی او پرداخته، شرح  
اشعاری از مولوی - و سنایی و عطار - را بیان نموده است (ص ۳۸۱).  
مقایسه شود با دفتر اول، صفحه ۵۱.

شاهکار این منظومه، حکایتی است که می‌گوید در کاروانی هریک  
از افراد توشه خود را جدا می‌خورند و رعایت همدیگر را نمی‌کردند تا  
سواری از راه رسید و آنها را وادار کرد سفره را یکی کنند و یار هم باشند:

هی بیارید زاد و زله تمام بر سر هم کنید آب و طعام  
روی درهم کنید چون یاران تا که یابید از حسود امان  
تا نرسید هم ز دزد و عوان هم توانید برد بارگران (ص ۴۸۰)  
پیرجمال مرشد خود پیر مرتضی اردستانی را برابر ابراهیم ادهم ترجیح  
می‌دهد؛ زیرا ابراهیم مال را رها نمود، اما پیر مرتضی هر چه داشت،  
درست خرج کرد (ص ۵۲۴):

حظ از آن مال جملگی برداشت همچو تخم اندرین جهان می‌کاشت  
این اشارات نشان می‌دهد که مریدان پیرجمال هم مانند مریدان  
علاءالدوله سمنانی به صورت تعاونی با هم می‌زیستند.

در دفتر دوم رسایل پیرجمال که آمیزه‌ای از نظم و نثر و عموماً کوتاه  
است، در نثرش گاهی رنگ و بوی عین القضاة احساس می‌شود که  
مریدان و یزهاش را با نامه ارشاد می‌نمود (رک: نامه‌های عین القضاة  
همدانی در سه مجلد).

از تحلیل و توصیف منظومه‌های متعدد دفتر دوم می‌گذرم. فقط به این  
نکته اشاره می‌کنم که سلمان نامه (دفتر دوم، ص ۴۸۷ - ۵۰۷) از آثاری  
است که به لحاظ فرم و معنا کم‌نظیر است. شاعر در اینجا برای سلمان  
فارسی سیر ابراهیمی قائل می‌شود و احترام خاصی که پیغمبر برای  
جناب سلمان قائل بوده، به طرز شگفتنی نشان می‌دهد (ص ۴۸۵).

پیرجمال نظر خاصی هم راجع به ایمان ابوطالب دارد که باید خواند  
(دفتر ۲، ص ۵۱۰).

در پایان باید از اغلاط چاپی فراوان این کتاب یاد کرد که با قدری  
دقت قابل احتراز می‌بود. در هر حال چاپ دوره آثار پیرجمال، خدمت  
فرهنگی ارزشمندی بوده است.

سراج التواریخ، کتابی است در تاریخ افغانستان که به سبب شهرت و جایگاه بلندی که دارد، بی‌نیاز از معرفی است و شاید کمتر کتابی به اندازه سراج التواریخ در تاریخ افغانستان به این اعتبار و شهرت رسیده باشد.

جلد اول تا سوم سراج التواریخ به تاریخ حاکمیت خاندان محمد زابی تا سقوط حکومت دوست محمد خان می‌پردازد. جلد چهارم تا سال هشتم حکومت امان‌الله خان و جلد پنجم نیز در شرح حال امان‌الله خان می‌باشد.

تا کنون جلد‌های اول و دوم و بخشی از جلد سوم چاپ شده بود و بقیه مجلدات چاپ نشده بود. اکنون تته جلد سوم و جلد چهارم چاپ و منتشر شده است.

سرگذشت جلد چهارم نیز جالب است. جلد‌های چهارم و پنجم کتاب مفقود بوده تا اینکه در سال ۱۳۸۸ دولت افغانستان جلد چهارم سراج التواریخ را در کتابخانه‌ای شخصی پیدا کرد و به قیمت ۲۵ هزار دلار خریداری نمود که هم‌اکنون در بایگانی ملی افغانستان نگهداری می‌شود. متأسفانه از سرگذشت جلد پنجم خبری در دست نیست.

تصویر جلد چهارم به انتشارات امیری داده شده و با تحقیق دکتر محمد سرور مولایی منتشر شده است.

تته جلد سوم در یک مجلد، و جلد چهارم در سه مجلد توسط انتشارات امیری، منتشر شده است.

در ابتدای تته جلد سوم، پس از فهرست تفصیلی مطالب، پیشگفتار کتاب توسط سید مخدوم رهین نوشته شده، سپس یادداشت ناشر توسط محمد وسیم امیری آمده است و پس از آن مقدمه دکتر محمد سرور مولایی از صفحه ۸۵ تا ۲۶۷ است. چند نمونه دستنویس کتاب نیز در آخر مقدمه وجود دارد و از صفحه ۲۹۳ متن کتاب شروع می‌شود. تته جلد سوم در صفحه ۴۶۳ پایان می‌یابد.

بخش نخست جلد چهارم مربوط به وقایع سال‌های ۱۳۱۵ - ۱۳۱۸ ق است و ۷۶۷ صفحه دارد.

بخش دوم جلد چهارم وقایع سال‌های ۱۳۱۹ - ۱۳۲۲ ق را در بر دارد و ۷۲۲ صفحه می‌شود.

بخش سوم جلد چهارم وقایع سال‌های ۱۳۲۳ - ۱۳۳۷ ق را در بر می‌گیرد و ۷۱۴ صفحه دارد.

مسائل ظاهری و فنی چاپ چهار مجلد حاضر به خوبی رعایت شده و به شیوه‌ای مطبوع و دلپسند چاپ گشته است. بررسی متن و سنجش آن، به وقتی دیگر نیاز دارد، اما ای کاش با این همه زحمت و شکل مناسب چاپ و... فهرس گوناگون مورد نیاز برای این گونه کتاب‌ها،

## تازه‌های نگارش و نشر

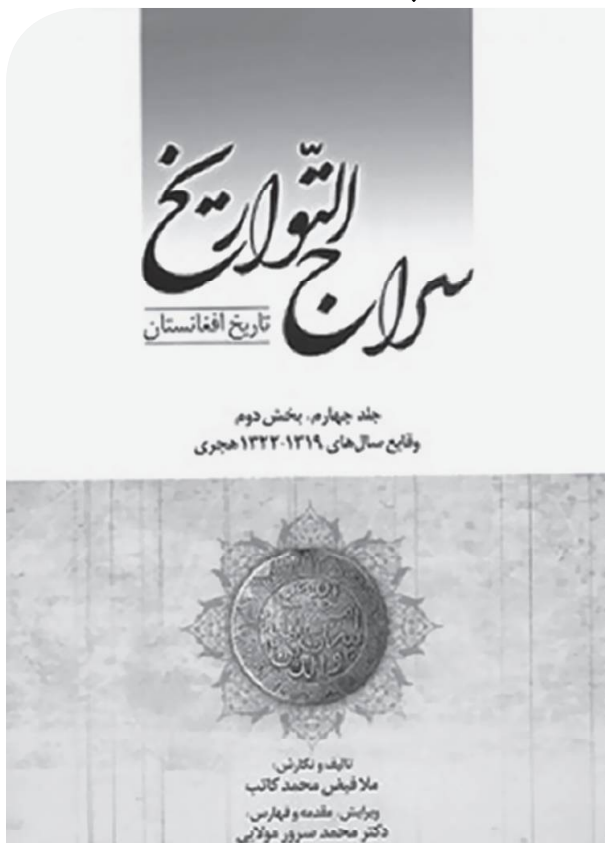
### معرفی اجمالی

# سراج التواریخ

ملا فیض محمد کاتب هزاره‌ای؛ ویرایش مقدمه و فهرس:

دکتر محمد سرور مولایی؛ کابل: امیری، ۱۳۹۰

## یوسف بیگ باباپور



در آخربخش سوم می‌آمد تا بهره‌مندی از کتاب را بیشتر کند.

امروزه دیگر تهیه فهارس برای تألیفات و تصحیحات، امری بدیهی است و مشکلاتی مانند زحمت زیاد آن، حجیم شدن کتاب و... نباید ما را از این امر مهم منصرف کند.

### دو نکته درباره سراج التواریخ

الف) این کتاب نه تنها برای تاریخ افغانستان فوق‌العاده مهم است، بلکه برای بخشی از تاریخ ایران و به‌ویژه آنچه فیض محمد خود شاهد آن بوده و یا به اسناد و منابع دسترسی داشته مهم است و پژوهشگران ما نباید از آن غافل شوند. افزون بر آنکه نزدیکی فرهنگی ایران و افغانستان، بر اهمیت آن می‌افزاید و مؤلف کتاب نیز در ایران رفت و آمد داشته و مراداتی با ایرانیان داشته است.

ب) از لحاظ نثر نوشتاری نیز سراج التواریخ مهم است و استفاده‌های فیض محمد از شیوه‌های نثر فارسی بسیار اهمیت دارد و می‌توان گفت برای پژوهشگران ادب فارسی در افغانستان، منبع باارزشی است.

### اندکی درباره مؤلف

فیض محمد کاتب در سال ۱۲۷۹ قمری در روستای زردسنگ از توابع منطقه قره‌باغ ولایت غزنی در خانواده‌ای شیعی به دنیا آمد. پدرش سعید محمد بود و او را از کودکی به فراگیری دانش تشویق کرد.

فیض محمد تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش ادامه داد و برای ادامه تحصیل به قندهار، نجف، قم، سوریه و هند سفر کرد و علاوه بر دروس حوزوی، دیگر علوم متداول آن روزگار را نیز فرا گرفت و به زبان‌های عربی، انگلیسی و اردو نیز آشنایی پیدا کرد.

کاتب مدتی عضو دارالتألیف وزارت آموزش و پرورش افغانستان بود و در عین حال به تدریس تاریخ و ادبیات در مدرسه حبیبیه پرداخت.

زندگانی فیض محمد مصادف با دوره زمامداری پنج زمامدار افغانستان، امیر عبدالرحمان، امیر حبیب‌الله، شاه امان‌الله، حبیب‌الله کلکانی و محمد نادر شاه است، که خود رویدادهای این دوران را به چشم مشاهده کرده است.

بعد از سقوط حکومت امان‌الله خان، حبیب‌الله معروف به بچه سقا، به قدرت رسید؛ ولی هزاره‌های افغانستان در مناطق مرکزی این کشور همچنان به امان‌الله خان وفادار ماندند و حاضر به قبول حکومت بچه سقا نشدند.

حبیب‌الله بچه سقا گروهی از بزرگان شیعه هزاره به نام‌های محمد علی جوان شیر چنداولی، قاضی شهاب‌الدین، خلیفه محمد حسن و استاد غلام حسن را به سرپرستی فیض محمد به هزاره‌جات فرستاد تا آنها را

و اداریه سازش در مقابل حکومت کنند و از آنها برای اوبیعت بگیرند؛ ولی هیئت بدون نتیجه به کابل برگشت و برخی از روی غرض، به حکومت گزارش دادند که فیض محمد نه تنها مردم را به سازش دعوت نکرده، بلکه آنها را علیه حکومت تحریک به قیام کرده است.

به دنبال دریافت این گزارش‌ها، حبیب‌الله بچه سقا نسبت به فیض محمد بدگمان شد و او را مورد ضرب و جرح فروان قرارداد که فیض محمد بر اثر این حادثه مریض شد و مدتی بعد برای مداوا به ایران سفر کرد.

وی بعد از بازگشت از ایران در ۱۶ دی ۱۳۰۹ در سن هفتاد سالگی در کابل وفات یافت و در این شهر به خاک سپرده شد. به جز سراج التواریخ دیگر آثار فیض محمد به ترتیب زیر است:

۱. تاریخ حکمای متقدمین از هبوط حضرت آدم تا به وجود آمدن حضرت عیسی؛
۲. فیضی از فیوضات؛
۳. تاریخ عصر امانیه؛
۴. نسب‌نامه طوایف افغانه و نفوس ایشان؛
۵. تذکره انقلاب؛
۶. امان الانشاء در نامه‌نگاری؛
۷. فقرات شرعی در مسائل فقهی؛
۸. اتحاد نظر مجتهدین؛
۹. شرح اصول دین مولانا محمد علی رشتی؛
۱۰. سبب و سر‌مبتلا شدن نفوس ناطقه؛
۱۱. زمامداری و سیاست کشورداری؛
۱۲. تاریخ عمومی افغانستان؛
۱۳. تحفة الاخوان؛
۱۴. استقلال افغانستان؛
۱۵. رساله وجه تسمیه افغانستان؛
۱۶. فیض الامان در جغرافیای افغانستان و ذکر اقوام ساکن در آن؛
۱۷. مقالات کاتب.

استاد دکتر سلیم نیساری متولد ۲۱ آذر ۱۲۹۹ ش در تبریز، از اعضای فرهنگستان کنونی زبان و ادب فارسی است. پژوهش‌های دقیق او را در عرصه حافظ‌شناسی همه امروز می‌شناسند و بدان به دیده اطمینان می‌نگرند. نسخه‌های پنجاه‌گانه حافظ که وی به دقت با یکدیگر مقابله کرد و پس از سی سال تلاش بی‌وقفه آنها را در دو مجلد نشر داد (دفتر دگرسانی هادر غزل‌های حافظ، ج ۲) از بهترین کارهایی است که تا کنون در این زمینه انجام شده است. کاری که می‌توان به عنوان یکی از دو کار بزرگ در زمینه تصحیح متون کلاسیک فارسی، در کنار شاهنامه خالقی مطلق از آن یاد کرد. اما تلاش نیساری در زمینه ترویج زبان فارسی به همین یک کار بزرگ ختم نمی‌شود. او از دهه بیست خورشیدی در زمینه تدریس و پژوهش فعالیت کرده، آثاری مکتوب از خود برجای گذاشته است. بنا بر سستی حسنه، فرهنگستان زبان و ادب فارسی جشن‌نامه‌ای دیگر را که به این استاد بزرگ اختصاص دارد، نشر داده است که کارنامه علمی نیساری را می‌توان در ابتدای آن دید. این جشن‌نامه همچنین حاوی این مقالات است:

- «من نه آنم که دو صد مصرع رنگین گویم / من چو فرهاد یکی گویم و شیرین گویم»؛ دکتر غلامعلی افروز؛ ص ۱۵-۱۸. خاطره‌ای کوتاه و البته کم‌مایه از چهل سال قبل و زمان تدریس استاد در دانشکده ادبیات تهران.

- «محاكمة انسان و حیوان»؛ حسن انوری؛ ص ۱۹-۳۴. مقاله ماندنی در تلخیص ماجرای محاكمة انسان و حیوان است که در رسائل اخوان الصفا آمده و در قرن هشتم توسط محمد زنگی بخاری به فارسی ترجمه آزاد شده است (چاپ شده توسط محمد تقی دانش‌پژوه و ایرج افشار به نام بستان العقول فی ترجمان المنقول). این مقاله نیز مایه‌ای چندان پُر ندارد و فقط خلاصه رساله‌ای است که هم اصل فارسی و هم اصل عربی آن در دسترس است. ضمناً راجع به پیشینه ترجمه این بخش از رسائل اخوان الصفا که نویسنده مقاله از روی مقدمه مرحومان دانش‌پژوه و ایرج افشار، در حد چند سطر توضیح داده است، باید گفت: بعدها در میان منابع خطی، ترجمه‌های دیگری از این بخش که آنها نیز در شمار ترجمه‌های آزاد قرار می‌گیرد، یافت شد که تازه‌ترین اطلاعات را در این باره در فهرست نسخه‌های خطی مجلس مجلد ۲۷/۱، صفحه ۲۳۱-۲۳۵ می‌توان یافت.

- «رشد رشديه»؛ محمد ابراهیم باستانی پایزی؛ صص ۳۵-۷۲. در این مقاله خواندنی که به قلم سحرانگیز و پراطلاع دکتر باستانی پایزی مشهور است، به سابقه مدرسه رشديه تهران در سال ۱۳۲۵ ش به بعد پرداخته شده است. این مقاله که به سبک خاطره‌نویسی نگاشته شده، از آن رو که یکی از تحصیل‌کردگان مدرسه مزبور آن را قلمی کرده است، از منابع دست اول به شمار می‌رود. ارتباط این مقاله نیز با استاد نیساری این است که نیساری از اولین کسانی است که شیوه آموزش (تیچینگ)

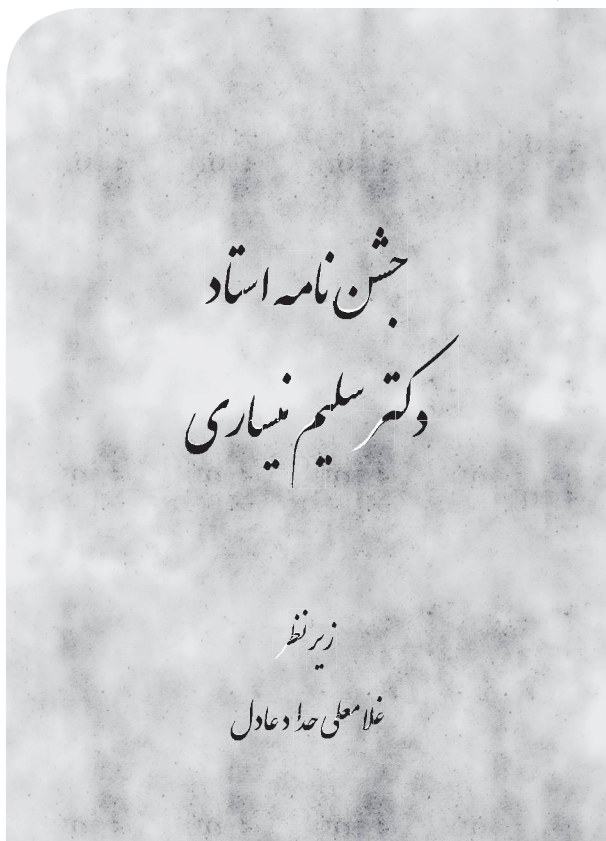
تازه‌های نگارش و نشر

معرفی اجالی

## جشن نامه استاد دکتر سلیم نیساری

زیر نظر غلامعلی حداد عادل؛ چ ۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰، ۵۶۱ ص، وزیری

کریم کتابیار



نویسن را براساس شیوه‌های روان‌شناسی و زبان‌شناسی جدید وارد کشور کرد و از این نظر حق بزرگی برگردن جامعه علمی ایران دارد.

- «واژه خوش ساخت و واژه بد ساخت»؛ یدالله ثمره؛ ص ۷۳-۸۰. مقاله‌ای در حوزه زبان‌شناسی است که استاد بزرگ آواشناسی آن را برای این یادنامه نگاشته است.

- «چند نکته درباره مجموعه‌ای از اسناد حقوقی از ۱۳۱۲ق تا ۱۳۶۲ق»؛ حسن حبیبی؛ صص ۸۱-۹۷. این مقاله درباره اسناد بازمانده از یکی از محضرهای ثبت املاک و ازدواج و طلاق در عصر قاجار (محضر خندق آبادی‌ها) است که قبلاً پژوهشی درباره آن توسط نگارنده مقاله نشر یافته بود و اکنون ادامه آن منتشر شده است.

- «میبدی و ترجمه قرآن او در تفسیر کشف الاسرار»؛ غلامعلی حدّاد عادل؛ صص ۹۹-۱۲۷. این مقاله در موضوع «نوبت» نخست از تفسیر معروف ابوالفضل میبدی موسوم به کشف الاسرار است که دکتر حدّاد عادل آن را عرضه کرده است. نگارنده مقاله خود از مترجمان قرآن است که برگردان او از کلام الهی را اخیراً توسط انتشارات آستان قدس رضوی منتشر کرده است. به اعتقاد دکتر حدّاد، میبدی در ترجمه قرآن، تحوّلی را موجب شد که در آن، از شیوه طابق الثعل بالثعل و تحت اللفظی خشک فاصله گرفت و نحو فارسی و هنر ادبی را نیز منعکس نمود.

- «در جست‌وجوی زحاف نو»؛ بهاء‌الدین خزمشاهی و ابوالحسن نجفی؛ صص ۱۲۹-۱۵۴. موضوع مقاله چنان‌که نگارندگان قلمی کرده‌اند، چنین است: «این مقاله در حدود چهار زحاف را که ... از دیوان کبیر / کئیات شمس بازیابی شده، و همه زحافاتی غریب و خوش‌آهنگ هستند، عرضه می‌دارد که سپس به کوشش ابوالحسن نجفی ارزیابی و نقّادی عروضی شده است».

- «گرشاسب یا کرشاسب، گشواد یا کشواد، گرسیوزیا کرسیوز»؛ ابوالفضل خطیبی؛ صص ۱۵۵-۱۶۵. نگارنده این مقاله که خود از همکاران دکتر خالقی مطلق در تصحیح یکی از مجلّات شاهنامه است، نظر خالقی و گروهی دیگر از شاهنامه‌شناسان را در مورد نحوه تلفّظ سه اسم خاص در شاهنامه، به چالش کشیده، نظر دیگری عرضه کرده است. توضیح مطلب اینکه: «یکی از دشواری‌های اساسی شاهنامه، خوانش نام‌هایی است که حرف گاف دارند؛ زیرا در نسخه‌های شاهنامه و کلامتون کهن فارسی، گاف فارسی را به صورت کاف می‌نوشتند» و همین مطلب، شیوه درست تلفّظ این اسامی را در دوره‌های مختلف با اشکال مواجه کرده است.

- «زبان‌شناسی، علمی شرقی»؛ محمد دبیرمقدم؛ صص ۱۶۵-۲۰۱. این

مقاله را یکی از استادان زبان‌شناسی کشور و رئیس بخش دست‌نویسی فرهنگستان نگاشته شده و در آن به یکی از نقاط عطف تاریخ زبان‌شناسی، یعنی سیبویه نحوی و کتابش، الکتاب پرداخته است.

- «استاد دکتر سلیم نیساری، پیشگام تألیف کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در ایران»؛ محمد دبیرمقدم و مهرداد اصغریور و مهری قره‌گزی؛ صص ۲۰۳-۲۶۲. این مقاله علاوه بر اینکه به سابقه کار استاد نیساری در این حوزه می‌پردازد، تصویری از سیر آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در ایران و نیز کتاب‌شناسی‌ای نسبتاً جامع و به روز از تألیفات این شاخه را به دست می‌دهد.

- «درباره گویش یغنابی ۲»؛ علی رواقی؛ صص ۲۶۳-۳۴۲. این مقاله از مقالات بسیار ممتاز جشن‌نامه حاضر است و در آن استاد دکتر رواقی باقیمانده پژوهش خود درباره گویش یغنابی را که بخش نخست آن در جشن‌نامه استاد آیتی منتشر شده بود، قرار داده است. این گویش تنها گویش بازمانده از زبان سُغدی است که اکنون در درّه بدخشان افغانستان زنده است. مقاله مزبور کتابچه‌ای مستقل در این موضوع است و ارزش نشر به صورت کتابی بین الدّفتین را نیز دارد.

- «نویسنده در جامعه مصر»؛ ترجمه اسماعیل سعادت؛ صص ۳۴۳-۳۷۳. این مقاله برگردان یکی از مترجمان بزرگ معاصر، اسماعیل سعادت، از یکی از سخنرانی‌های طه حسین مصری (۱۹۷۳م) است که در همایش بین‌المللی هنرمندان درونیر عرضه شده است.

- «نکاتی درباره مقاله‌های تحقیقی»؛ احمد سمیعی؛ صص ۳۷۵-۳۹۱. این مقاله از منظر نگارش و ویرایش حائز اهمیت است و به دست یکی از ویراستاران و مترجمان کارکشته معاصر قلمی شده است.

- «بیت شیرازی سعدی در گلستان (پیشنهادی تازه برای قرائت و معنی آن)»؛ علی اشرف صادقی؛ صص ۳۹۳-۳۹۹. این مقاله یکی از یافته‌های نگارنده فاضل آن در خصوص بیت‌های لهجه‌ای فارسی است که از ایشان سراغ داریم. بیتی در گلستان سعدی به لهجه شیرازی هست که مورد اختلاف سعدی‌شناسان بوده و هست. این بیت در مقاله مزبور مورد بررسی و شرح قرار گرفته است.

- «خاطره‌ای از درس فلسفه آموزش و پرورش»؛ هوشنگ قائلی؛ صص ۴۰۱-۴۰۳. مقالاتی خاطره‌ای از یکی از شاگردان استاد نیساری است.

- «گونه زبانی فیروزآبای»؛ ایران کلباسی؛ صص ۴۰۵-۴۲۲. تک‌نگاری‌ای درباره گونه زبانی فیروزآبای است که در شهرستان فیروزآباد فارس به کار می‌رود و گونه‌ای از فارسی معیار با تفاوت‌هایی اندک در حوزه نحو است.

- «ملاحظات‌ی بر حواشی دیوان حافظ»؛ فتح‌الله مجتبائی؛ ص ۴۲۳-۴۳۰. پیش از این، کتاب و مقالاتی از نویسنده دانشمند این مقاله در موضوع مزبور نشر یافته بود و اکنون چند یافته دیگر در قالب مقاله‌ی تازه.

- «جنبه‌هایی از بسند بر اساس برخی از متون جغرافیایی اسلامی»؛ مهدی محقق؛ صص ۴۳۱-۴۳۸. نگارنده مقاله که تصحیح دیوان ناصر خسرو را در کارنامه دارد، با استناد به بی‌تی از ناصر خسرو، بحث را آغاز کرده، سپس به سابقه منطقه «سند» در منابع جغرافیایی اسلامی پرداخته است. در کل مقاله خاصی نیست.

- «برای استاد سلیم»؛ هوشنگ مرادی کرمانی؛ ص ۴۳۹-۴۴۶. داستانی کوتاه است با عنوان «ته خیار» از مرادی کرمانی، شخصیت شناسای حوزه داستان‌نویسی فارسی که در این جشن نامه قرار گرفته است.

- «برنامه‌ریزی زبان»؛ علی مصریان؛ ص ۴۴۷-۴۶۲. «برنامه‌ریزی زبان»، شاخه‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی است که در تلاشی با هدف مداخله و دستکاری در زبان یا یکی از گونه‌های آن صورت می‌گیرد. مقاله حاضر به توصیف این شاخه می‌پردازد.

- «درس انشای فارسی»؛ اسفندیار معتمدی؛ ص ۴۶۳-۴۶۸. چند خاطره است از نویسنده مقاله درباره رابطه‌اش با استاد سلیم نیساری.

- «مرآت القلوب»؛ محمدجعفر یاحقی؛ ص ۴۶۹-۴۸۲. این مقاله در واقع تصحیح رساله‌ای موسوم به مرآت القلوب است که مصحح، آن را در دانشگاه کمبریج و جزو نسخه‌های اهدایی ادوارد براون یافته و از آن رونویسی کرده است. تاریخ کتابت نسخه آن ۹۴۳ ق است و نویسنده آن نیز ناشناس مانده است. طبق اطلاع مصحح «از محتویات خود رساله برمی‌آید که او بر مذهب تسنن بوده و اندکی هم مشرب فلسفی و وحدت وجودی داشته است».

تصاویر پایانی کتاب که بسیاری از آنها برای نخستین بار نشر می‌یابد، شامل عکس‌هایی از دکتر نیساری (بیشتر در دوران تحصیل) و نیز لوح‌ها و تقدیرنامه‌های مکتوب ایشان است. در این میان عکسی که فارغ‌التحصیلان لیسانس ادبیات خرداد ۱۳۲۱ را به همراه استادانشان نشان می‌دهد و دکتر نیساری نیز در میان آن فارغ‌التحصیلان دیده می‌شود، ارزشی ویژه دارد.

از آنجایی که روحیه جستجوگری و کاوش برای دانشجویان و طلاب و کلیه جوانان جوای حقیقت، ودیعه‌ای است الهی و قابل ستایش، از این رو آنها بیش از دیگران می‌خواهند بدانند که شاقول هدایت، و راه رستگاری و نجات در این غوغای ضلالت و تفسیر و تأویلات در کدام مسیر است. بی‌شک در تمام عصور و زمان‌ها، و خاصه در زمان حاضر، یکی از دو ثقل اکبر، یعنی سنت و سیره و اخبار و آثار پیامبر و خاندان پاکشان می‌تواند راهنما و طراز و میزان هدایت به سوی حقیقت باشد. بی‌شک برای قشر عظیم جوانان جوای صراط مستقیم پارسی زبان، بهترین راه رسیدن به این سرچشمه هدایت، ترجمه‌ای گویا از احادیث و اخبار معصومین علیهم السلام می‌باشد؛ چرا که از دیرباز نگرانی و دلهره‌ای به حق بین این قشر عظیم وجود داشته که فهم قرآن و احادیث چون با زبان عربی است، برای ما مشکل است. در پاسخ به این خواسته به حق و برای نشر فرهنگ غنی اهل بیت (علیهم السلام) کتاب حاضر تقدیم گشته است.

«نوادراخبار» بارها به زیور طبع آراسته شده است، اما برای اولین بار فاضل ارجمند حجت الاسلام والمسلمین اصغر قاسمی آن را ترجمه کرده، با ویرایشی نوبه همراه متن عربی با همت نشر هستی نما به علاقه‌مندان، خاصه تشنگان معارف گران سنگ الهی و دوست‌داران احادیث اهل بیت (علیهم السلام) عرضه نموده است.

این متن می‌تواند متنی تخصصی و ویژه برای استادان حوزه و دانشگاه تلقی شده، جایگاه خود را در حوزه و دانشگاه پیدا کند.

مؤلف کتاب، مرحوم ملامحسن فیض کاشانی فرزند شاه مرتضی، از فلاسفه الهی و فقه‌های نامی عصر خویش است.

وی در همان عصر خویش، حکیمی برجسته و محدثی پرکار و مفسری صاحب نظر و فقیهی نامدار و از مفاخر جهان تشیع شمرده می‌شد.

قرن یازدهم هجری میزبان شخصیت‌های برجسته‌ای همانند علامه‌های بزرگ، محمد تقی و محمد باقر مجلسی و آقا حسین محقق خوانساری، محقق سبزواری، و ملا عبد الرزاق لاهیجی، شیخ الاسلام محمد طاهر قمی، مرحوم حر عاملی، ملا صالح مازندرانی و فیض کاشانی بوده است.

به فرموده صاحب قصص العلماء، مرحوم فیض قریب دویست جلد کتاب در رشته‌های گوناگون تألیف نمودند (قصص العلماء، ص ۳۲۴).

مرحوم شیخ آقا بزرگ در کتاب بی‌بدیل الذریعه تعداد ۱۴۴ کتاب و رساله برای مرحوم فیض ثبت کرده‌اند (الذریعه، ج ۳، ص ۱۸۴، ج ۱۳، ص ۹، ج ۱۶، ص ۳۷۹ و ج ۲۴، ص ۳۸۴).

مرحوم فیض در بخش کتب روایی، نخست کتاب پراهمیت و

## تازه‌های نگارش و نشر

معرفی اجمالی

# نوادراخبار فیما یتعلق بأصول الدین

فیض کاشانی؛ تحقیق مهدی انصاری، ترجمه اصغر قاسمی، قم: هستی نما، ۱۳۹۰

غلامرضا نقی جلال‌آبادی





فیض علاوه بر منابع یادشده، در این کتاب از منابعی بهره جسته‌اند که بعضاً جزء کتب کمیاب و در حال حاضر در دسترس نمی‌باشند؛ همانند کتاب پرمایه و متقن «رسائل الاثمه» از آثار ثقة الاسلام کلینی.

در بخش کتاب الفتن، نامه‌ای از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) خطاب به شیعیان و پیروانشان بعد از حوادث نهروان آورده‌اند. مطالعه این نامه رنج‌آور دل هر مطالعه‌کننده و شنونده‌ای را به درد می‌آورد (نوادرال اخبار، ص ۲۶۸ - ۲۹۳).

محقق دانشمند «نوادرال اخبار»، برای مستند کردن روایات و احادیث وارده، بیش از یکصد و ده منبع حدیثی و تاریخی و رجالی را ثبت نموده، در نهایت کتاب را با سه فهرست آیات، احادیث قدسی و احادیث شریفه به پایان رسانده است.

### مهم‌ترین بخش‌های کتاب

کتاب حاضر مشتمل بر هفت بخش مستقل و یکصد و پنج باب است.

**بخش اول:** کتاب عقل، که این موضوعات در آن قابل مشاهده است: آغاز آفرینش عقل، فضیلت عقل، شعبه‌های عقل، صفت خردمند و نادان.

**بخش دوم:** کتاب علم که مهم‌ترین مطالبش بدین قرار است: پاداش طالب علم، اقسام علم، علمایی که پیروی آنها لازم است، و آنهایی که پیروی شان لازم نیست، رأی و قیاس، درایه و روایت، احتیاط و توقف در شبهات.

**بخش سوم:** کتاب توحید که اهم مطالبش از این قرار است: معنی توحید، تفسیر سوره توحید، نهی از سخن پیرامون ذات خداوند، صفات و اسمای خداوند، مشیت و اراده.

**بخش چهارم:** کتاب نبوت و امامت که مشتمل بر هفت باب است: نیاز مردم به پیامبر و امام، ائمه با نص صریح به مقام امامت می‌رسند، برتری پیامبر و ائمه (علیهم السلام) بر سایر مردم، ممنوع بودن غلو و زیاده‌گویی در حق آنها.

**بخش پنجم:** کتاب فتنه و آزمایش، که مهم‌ترین ابوابش بدین قرار است: فتنه و آزمایش امری است ناگزیر، تفرقه مردم در عصر خود پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مرتد شدن گروه‌هایی بعد از پیامبر ﷺ.

**بخش ششم:** کتاب اخبار قائم آل محمد (عجل الله فرجه). اهم مباحث آن از این قرار است: مادر امام زمان علیه السلام، غیبت حضرت، نشانه‌های ظهور، رجعت، روش عملی حضرت در عصر ظهور.

**بخش هفتم:** کتاب معاد است که مهم‌ترین ابوابش بدین قرار است: نشانه‌های مرگ، سؤال در قبر، مکان ارواح در برزخ، شفاعت، آغاز قیامت، اعراف و اهل آن، صفت بهشت و جهنم.

ارزشمند «وافی» را تألیف نمودند. کتاب وافی مجموعه‌ای است از احادیث موجود در کتب اربعه که مشتمل بر یک مقدمه و چهارده کتاب و یک خاتمه است. سپس با انگیزه تنقیح کتاب وافی منتخبی از احادیث و روایات آن را با حذف اسانید و مکررات و معارضات جمع‌آوری کردند و نامش را «شافی» نهادند. شافی درد و بخش عقاید و اخلاق، و شرایع و احکام تألیف شده است. «شافی» در واقع مجموعه‌ای است از روایات محکمت در بخش عقاید و شرایع اسلام (الذریعه، ج ۱۳، ص ۹، رقم ۲۰).

در پایان نیز کتاب «نوادرال اخبار» را تألیف نمودند. این کتاب در بعضی از مصادر کتاب‌شناسی به «نوادر فیض» شناخته شده است؛ آن گونه که مؤلف خود می‌گوید: «نوادرال اخبار» مستدرکی است بر کتاب «شافی» و «وافی».

وی در مقدمه کتاب گران سنگ نوادرال اخبار چنین نگاشته‌اند:

پیشتر در کتاب «وافی» آن دسته از روایاتی که در کتب اربعه مشهوره جمع و تفریق و تذهیب و ترتیب بودند، جمع‌آوری کردیم و سپس دسته دیگری از روایات را که به منزله احادیث مهم بودند، در کتاب «شافی» گرد آوردیم. بعداً تصمیم گرفتیم احادیثی که اصحاب ما در غیر کتب اربعه آورده‌اند، همانند دسته‌بندی و موضوع‌بندی کتاب «شافی» جمع‌آوری نماییم، تا مکمل کتاب «شافی» باشد و جبران‌کننده آنچه در آن کتاب از قلم افتاده است.

براین اساس، در این کتاب سعی کرده‌ایم احادیثی بیاوریم که هم نفعش و هم شناختش برای عموم مهم باشد و در انعکاس الفاظ و معانی، متشابه نداشته باشند و ضمناً از زمره محکمت باشند. این کتاب را بدین‌گونه مختصر کردیم تا حفظ و ثبت آن برای همگان آسان‌تر شود و نامش را «نوادر» گذاشتیم و در این کتاب آنچه مربوط به اصول دین است، در هفت فصل و هر فصل را به چند باب تقسیم کردیم (مقدمه کتاب، ص ۱۱).

### منابع اصلی کتاب

نوادرال اخبار با تکیه بر منابعی غیر از کتب اربعه تألیف شده است، اما همگی از منابع بسیار مهم و مورد استناد فقها و دانشمندان می‌باشند؛ همانند: «توحید»، «خصال»، «اکمال الدین»، «علل الشرایع» و «معانی الاخبار»، از آثار محدث بزرگ شیعه شیخ صدوق (رضوان الله تعالی علیه). همچنین کتاب «اختصاص» شیخ مفید، «امالی» شیخ طوسی (رحمهما الله)، «محاسن» برقی، «تفسیر عیاشی»، «تفسیر قمی» و «تفسیر مجمع البیان».

از جمله گزینه‌هایی که بر ارزش این کتاب می‌افزاید، اینکه: مرحوم

کتاب ارزشمند فتوت نامه سلطانی<sup>۱</sup> اثر ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری (درگذشته ۹۱۰ ق) یکی از منابع اصیل و استوار شناخت فتوت و آداب آن به شمار می‌رود و موضوع آن به گفته مؤلف در آغاز کتاب، «رساله‌ای است در بیان طریق اهل فتوت و قوانین و آداب و شد و بیعت و پوشیدن تاج و خرقه و شرح ادب و سیرت هر فرقه و شرایط نسخ و مرید و شاگرد و استاد و لوازم تکمیل و تعلیم و تلقین و ارشاد».

این اثر در یک مقدمه و دوازده باب و یک خاتمه سامان یافته است و هر باب دارای چند فصل و گاهی نیز هر فصل در بر دارنده چند قسمت است. فتوت نامه سلطانی در سال ۱۳۴۸ شمسی با تصحیح مرحوم استاد محمدجعفر محجوب از سوی بنیاد فرهنگ ایران در دو جلد به چاپ رسیده است. چندی پیش کتابخانه ملی ملک تهران، گزیده‌ای از متن نسخه خطی فتوت نامه موجود در این کتابخانه<sup>۲</sup> را به چاپ رساند که در نوع خود شگفت‌آور و پدیده‌ای نوبه شمار می‌رود؛ چراکه اگر هر کتابخانه بخواهد به جای اثری تصحیح شده با چند نسخهٔ مقابله شده و یا متن فاخر، به نسخه ناقص و پر غلط آن هم با گزینش ناشیانه و دست و پا شکسته نامفهوم اقدام کند، پس از چندی گنجینه‌های فرهنگی و علمی مکتوب به دست مدعیان بر باد خواهد رفت. فتوت نامه موجود در کتابخانه ملک دارای ویژگی‌های زیر است:

این نسخه ناقص - بدون آغاز و انجام - شامل فصل سوم از باب یکم و باب دوم و سوم و ششم از مجموعهٔ دوازده باب کتاب است؛ یعنی حدود بیست درصد کتاب موجود است.

از سوی دیگر، تاریخ کتابت آن ۱۲۵۹ ق است، و جز این، پنج نسخه در کتابخانه مجلس و کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی موجود است که تاریخ کتابت آنها به عصر مؤلف نزدیک تر است<sup>۳</sup> و از دیگر سو، این نسخه هیچ گونه برتری و امتیازی ندارد. از این رو استاد محجوب در تصحیح این کتاب، نسخه کتابخانه ملک را کنار گذاشته است.

این گزیده بی هیچ آدابی و ترتیبی بدون رعایت شیوه‌ها و اصول تصحیح، چاپ شده است. پدید آورندگان از نمونه خوانی با نسخه چاپی این اثر نیز کوتاهی کرده‌اند. در نتیجه دفتری بی معنی، بدون ویرایش، با جمله‌هایی قیچی شده، بدون نهاد و گزاره به دست آمده است. برگزیده فتوت نامه نمونه‌ای از رکود و درماندگی در نشر آثار مکتوب است؛ که چگونه نویسندگانی از رونویسی یک متن فارسی ناتوان بوده‌اند و در املا درک مفاهیم، نمونه خوانی و مطالعه آن بایک دانش آموز اول ابتدایی درس نخوان تفاوتی چندانی ندارند؛ البته و هزار البته از وضع نابسامان برخی مؤسسه‌های فرهنگی و کتابخانه‌ها بیش از این انتظار نمی‌رود. وقتی توصیه‌ها و رابطه‌ها و وابستگی به فلان و بهمان، جای دانش و شایستگی و ارزشمندی را به هرزه گرفته است، باید همچنان انحطاط در اخلاق و فرهنگ را شاهد بود. چنین است که جای خالی بزرگانی چون مرحوم سهیلی خوانساری و مرحوم محمد علی نجاتی در

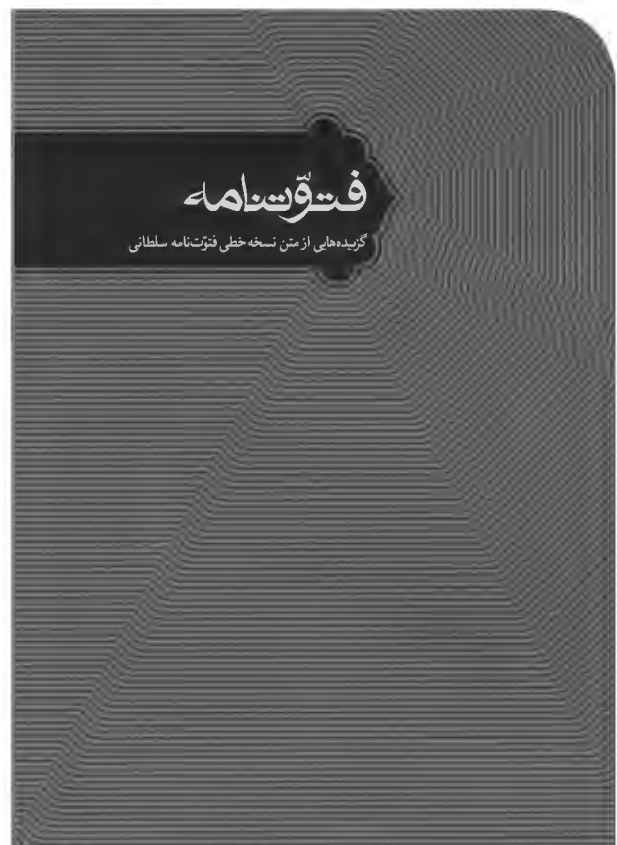
## تازه‌های نگارش و نشر

معرفی اجمالی

# فتوت نامه سلطانی: گزیده‌هایی از متن نسخه خطی فتوت نامه سلطانی

ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری؛ گردآوری علیرضا دولتشاهی، بهناز رضایی و مرضیه مرتضوی، زیر نظر رضا دبیری نژاد و مهتا باصفا؛ تهران: کتابخانه و موزه ملی ملک، ۱۳۹۰، ۲۴ ص

علی اکبر صفری



۱. رک: الذریعه؛ ج ۱۶، ص ۱۱۵، ۱۱۶. زبدة الآثار؛ ص ۲۸۳ و فهرست کتابهای چاپی فارسی؛ ج ۳، ص ۳۶۵۳.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک؛ ج ۳، ص ۵۶۹.

۳. فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)؛ ج ۷، ص ۸۷۶.

که مروت چیست؟ فرمود: که مروت دست برداشتن است از محرمات و ترک گناه کردن، تا کرام‌الکاتبین از نوشتن آن برآسایند.

ص ۱۴ متن: دویم تواضع است که همه کس را به از خود داند و با او دوستی کند... چهارم عفو و رحمت یعنی بر خلق شفقت کردن و از سد گناه ایشان درگذشتن و بدان مقدار که مقدور باشد.

صحيح: دویم تواضع است که همه کس را به از خود داند با او فروتنی کند. چهارم عفو و رحمت است؛ یعنی بر خلق خدای شفقت کردن و از سرگناه ایشان درگذشتن و بدان مقدار که مقدور باشد با ایشان نیکویی ورزیدن و مهربانی نمودن.

ص ۱۴ متن: اوّل پند به زبان... دوم پند سمع است... سیم پند بصر است. چهارم پند دست. پنجم پند قدم... ششم پند شکم و خرج است. صحيح «پند» به جای عبارت «پند» و غلط دیگر... بند شکم و فرج است. ص ۱۵ متن: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

صحيح: آورده‌اند که متوکل خلیفه از امام علی نقی علیه السلام پرسید... فرمود: ص ۱۶ متن: حروف سجاده اشاره به چیست؟ حرف سین سیر و سلوک که صاحب سجاده است در عالم ملکوت و حرف جیم جد و جهد است در ملاحظه کردن انوار جبروت...

صحيح: اگر پرسند که حروف سجاده اشاره به چیست، بگوی حرف سین سیر و سلوک صاحب سجاده است در عالم ملکوت و حرف جیم جد و جهد او است در ملاحظه انوار جبروت.

ص ۱۸ متن: زخاک آفریدنت خداوند پاک صحيح: زخاک آفریدت خداوند پاک ص ۲۰ متن: فرزند خود را به فرمان دوست قصد قربان کرد و نفس خود را به محبت.

صحيح: فرزند خود را به فرمان دوست قربان کرد و نفس خود را به محبت حق فدای نیران کرد.

ص ۲۱ متن: دویم به دلیل مجاهدت شوراندن... نهم: یک بار محبت پیمودن... چهاردهم به نظر اهل امید رسانیدن شاید که خواری اهل دلی گردد. متن: دویم به بیل مجاهدت شورانیدن... نهم: به کیله محبت پیمودن... چهاردهم به نظر اهل الله رسانیدن شاید که خورای اهل دلی گردد.

ص ۲۳ متن: و هر که در طلب دانش باشد هر آینه باید که از جمیع آرزوهای نفس نماند و ملازمت استاد قبول کرده و هر که بدین صفت متصف بود جوانمرد باشد.

صحيح: هر که در طلب دانش باشد، هر آینه باید که از جمیع آرزوهای نفس خود بگذرد و بی‌شع پای بر سر آرزوی نفس نهاده بود و ملازمت استاد قبول کرده؛ و هر که بدین صفت متصف باشد، جوانمرد باشد.

صحيح: آنکه آثار عرفانی و اخلاقی که گنجینه بی‌پایان سرزمین ماست، از گزند تصحیح‌های چنین در امان بماند. آرزوی دیگر نگارنده این سطور برای متولیان کتابخانه‌های زیر نظر آستان قدس رضوی علیه السلام این است که با در اختیار نهادن تصاویری از نسخه‌های خطی از حبس علم پرهیزید. این مراکز به نام عالم آل محمد علیه السلام است.

این کتابخانه احساس می‌شود؛ و گردانندگان آن به جای امور کتابداری و خدمات کتابخانه‌ای، با چاپ چنین آثاری با هزینه وقف و خیریه، نام خود را در کنار نام کتابخانه تبلیغ می‌نمایند.

نمونه‌هایی از متن چاپ شده و متن اصلی کتاب چنین است:

ص ۶ متن: «فتی» در اصل لغت جوان را گویند و این لفظ موضوعست از برای مرد جوان حقیقت باشد و بر غیر او مجاز و آن مجاز از روی معنی اطلاق کنند صحيح: فتی در اصل لغت جوان را گویند. این لفظ موضوع از برای مردی جوان است. پس اطلاق فتی بر جوان حقیقت باشد و بر غیر آن مجاز و آن مجاز از روی معنی اطلاق کنند.

این بند در صفحه سیزده با دخل و تصرف، و حذف عباراتی تکرار شده است. ص ۶ متن: سالک مادام که در قید هوای نفس ترقی نموده باشد به مقام ذل رسد صحيح: سالک مادام که در قید... و چون از مرتبه نفس ترقی نموده، به مقام دل رسد.

ص ۸ متن: فتوت انصاف داشتن است از نفس خود انصاف ناستدن یعنی هر عیبی و نقصی که باشد آن را بخود نسبت باید کرد و هر چیزی که از او در وجود آید خود را در میان نباید دید.

صحيح: فتوت انصاف دادن است و انصاف ناستدن؛ یعنی هر عیبی و نقصی که باشد، آن را به خود نسبت باید کرد و هر چیزی که در وجود آید، خود را در میان نباید دید.

ص ۱۰ متن: جان فدا فرمود. صحيح: جان فدا می‌فرمود.

ص ۱۱ متن: و عقل خزانه سر و سر خزانه معرفت و معرفت سری از اسرار الهی. صحيح: عقل خزانه سر و سر خزانه معرفت و معرفت سری از اسرار الهی.

ص ۱۲ متن: شاگردی بر چه چیز است: ارادت و ارادت سمع و طاعت و سمع و طاعت هر چه استاد گوید....

صحيح: اگر پرسند که بنای شاگردی بر چه چیز است؟ بگوی بر ارادت، اگر پرسند که ارادت چیست؟ بگوی سمع و طاعت. اگر پرسند سمع و طاعت چیست؟ بگوی که هر چه استاد گوید....

ص ۱۲ متن: محافظت دل چگونه است؟ چنانکه از معاصی دل اقرار کنی و اصل معاصیهای دل حسد است و عجب و ریاء؟ و غفلت و غرور و این خلوتخانه را از حس و خاشاک به جاروب پاک سازی تا به منظر او به جمال منظور حقیقی نظر توان کرد.

صحيح: اگر پرسند که محافظت دل چگونه است؟ بگو چنان که از معاصی دل احتراز کنی و اصل معصیت‌های دل حسد است و عجب و ریاء و غفلت و غرور و بخل و حرص و امثال این‌ها. دیگر آنکه آینه دل را به صیقل ذکر روشن داری و این خلوت‌خانه را از حس و خاشاک به جاروب تصفیه پاک سازی تا بر منظر او به جمال منظور حقیقی توانی کرد.

ص ۱۳ متن: مروت شاخی است از شاخ‌های فتوت، فتوت شاخی است از اغصان نبوت، پرسیدند مروت چیست؟ فرمود دست باز داشتن است از محرمات و ترک گناه کردن تا کرام‌الکاتبین از نوشتن آن برسانید.

صحيح: فتوت شاخی است از شاخ‌های نبوت کما ان المرؤه غصن من اغصان النبوه...؛ چنانچه مروت شاخی است از شاخ‌های فتوت. پرسیدند